

روزهای قبل از عید مثل هر سال آمده است. باز هم جمع خانواده و شراب و ... من هم نمی‌خواهم این رسوم قبل کریسمس رو خراب کنم ولی خیلی‌ها به آن فکر می‌کنند که ادونس به چه معنی است و آن‌ها می‌دانند که قبل از کریسمس مراسمی به این نام وجود دارد. در کریسمس ما به هم سر می‌زنیم و تلفن می‌زنیم و به سنت‌های دید و بازدید پایبندیم. کریسمس خیلی دوست‌داشتنی است و برای همه مردم جهان دوست‌داشتنی هست. خیلی دلیل این کارها را نمی‌دانند و فقط این کارها را از روی عادت انجام می‌دهند. ولی این خوش گذرانیها بهانه‌ای برای درمان نامیدیها و دردهاست ولی اگر من دلیل این کارها را ندانم نمی‌توانم واقعاً شاد باشم در این ایام هم، در این زمان کریسمس ابریا می‌خواهد این جشن را معنی کند. او می‌گوید که پشت همه این جشن‌ها عید آمدن عیسی، قربانی گناهان ماست و او به ما می‌گوید که چه کارهایی باید ما در این ایام انجام دهیم و او به ما این جرأت را میدهد که در این راه بمانیم چون عیسی به ما وفادار است و او همیشه در قلب ماست. ادونت چشم ما را به حقیقت باز میکند، کاری که عیسی برای ما کرده است و نشاندهنده این است که عیسی خودش را قربانی ما می‌کند. در گذشته بین تعدادی از اعضای اجتماع ما درگیری رخ داد که ما می‌توانستیم آن را در بین خودمان حل کنیم، ما یک سال زمان داشتیم که این اختلافات را پشت سر بگذاریم و این اختلافات را حل کنیم، بعضی از مواقع ما خیلی کارهای غلطی انجام دادیم و بعضی اوقات تلخی‌هایی کردیم و ممکن است این کارها را ادامه هم بدهیم و ممکن است ما به این اشتباهات عادت کردیم و تغییر هم نمی‌کنیم. من نباید چشم روی گذشته ببندم و باید اشتباهاتم را بشناسم و آن‌ها را برطرف کنم و عیسی با ماست و به ما کمک می‌کند. وقتی این حس را داشته باشم که عیسی با من است من می‌توانم این بدی‌ها را پشت سر بگذارم. قربانی شدن او برای کارهای بد من چه در این دنیا و چه در دنیای دیگر برای، از من کافیست. نامه ابریا در قسمتی خیلی دراماتیک است: آنجایی که او راه رسیدن به خدا را قطع می‌کند، تا من بتوانم به کمک عیسی آنجا بروم. در این آیه‌ها ما می‌بینیم که خدا چگونه یک راه بزرگی را به ما نشان می‌دهد. بدین طریق او به ما اجازه میدهد که ما با ایمان کامل و با وجدانی پاک پیش او برویم بدون آلودگی‌ها بدون کینه و گناه، از طریق آب پاک و توبه این کار صورت می‌گیرد.

چند وقت پیش من با یکی از همکارانم صحبتی داشتم. برای او مسأله‌ای پیش آمده بود که به دور از عدالت بود و گناه را به گردن کس دیگری انداخت. از زمانی که من او را می‌شناختم او خیلی پرخاشگر بود و او خیلی درباره اشتباهی که کرده بود حرف می‌زد. این حس رو من خیلی خوب می‌شناسم، اینکه من اشتباهاتم را به دوش دیگری بندازم. این کار را من نمی‌توانم در پیش خداوند انجام دهم، ولی در نامه ابریا ما چیزی را می‌خوانیم که می‌گوید ما ترسی لازم نیست که داشته باشیم و چون او ما را می‌بخشد وقتی به گناهان اعتراف می‌کنیم. از زمانی که عیسی خودش را قربانی کرد این پل ساخته شد بین خدا و انسان‌ها چیزی که در این نامه هست به ما این جرأت را می‌دهد که ما با قدرت بیشتر به پیش رویم و به بخشش خداوند ببندیشیم و همه این چیزهای خوبی که در آسمان است را ما داریم نور و روشنایی و ما امروز را داریم و از آن باید استفاده کنیم چون ممکن است فردا دیر باشد. امروز خدا دید ما را بر روی انسانهای نامید باز میکند که من باید امیدی برای این پیام عیسی باشم برای آن‌ها، خیلی از ادما احساس گناهانشان همیشه بدوششان است و اینجا من وظیفه دارم که به آن‌ها خدمت کنم. وحالا من چطور می‌توانم این امید را به آن‌ها بدهم؟ من جواب این سؤال را باید بدهم طوری که فرق بین مرگ و زندگی مطرح است در کلیسا من با ایمانداران طرف هستم ولی بیرون با ادماهای عادی سر و کار دارم که ایمان ندارند و کار سخت می‌شود برای مثال شماها از اسلام رد شدید و حال این را در نظر بگیرید که وقتی به ایران برگردید و دولت شما را زیر فشار بگذارد آیا شما از ایمانتان برمی‌گردید؟ بعداً شما به دوستان و آشنایانتان چی می‌خواهید بگویند در مورد ایمانتان؟ با تمام این فشارها آیا شما در ایمانتان ثابت میمانید؟ ابریا در این باره نوشته: جماعتی در زیر فشار مرگ و زندگی بودند و او گفته خودتان را به ایمان نامه متصل کنید تا بتوانید بر فشارها قلبه کنید و این برای من تصورسخته چون من در آلمان و در آزادی این حرف را می‌زنم ولی اگر در ایران بودم هم می‌توانستم این را بگم؟ در آلمان هم بین مردم این را بیان کردن که مسیحی هستم سخت است چون شما تحت فشار نه دولتی بلکه مردم هستید ولی باید روراست باشیم و باید به نامه ابریا اکتفا کنیم تا ایمانمان را حفظ کنیم. حال من باید این ترس‌ها را فراموش کنم و این بشارت را به دیگران هم بدهم و این را باید بدانم که عیسی نه در جلوی من و نه در پشت من بلکه در قلب من است و او همیشه مرا همراهی می‌کند و باید به

او اکتفا کنیم. من نمی‌توانم همه ی کارهای او را به روشنی ببینم ولی این را می‌توانم ببینم که او برادران و خواهران را به سمت من می‌فرستد تا من به تنهایی در این مسیر نباشم و در نور عیسی نه تنها قلب من بلکه چهره ی همه خواهران و برادران من هم روشن می‌شود و آنجا چهره‌هایی از تمام مسیحیان روشن است. سه دلیل برای جشن گرفتن ادوند است و سه چیز را باید سرمشق قرار دهیم: 1 او راه را برای ما باز کرد 2 او جلوی ما نشسته و آینده را برای ما پیش کش می‌کند 3 او بغل ما ایستاده و به ما می‌گوید که ما چطور می‌توانیم این راه را آغاز کنیم. امین ه